

## نقش فرهنگ دینی و معنوی و بن‌مایه‌های عرفانی در افزایش استقامت و قدرت رزمی رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس از دیدگاه شهید آوینی

سیده زهرا حسینی نیا<sup>۱</sup>، صابر امامی<sup>۲</sup>، امیر اسماعیل آذر<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

### چکیده:

پژوهش حاضر در نظر دارد کتاب گنجینه آسمانی آوینی را از منظر تأثیر نیروهای معنوی و دینی در ارتقای روحیه رزمی رزمندگان دفاع مقدس بررسی کند؛ بنابراین برای فهم بهتر تلاش آوینی در ارائه بعد معنوی رزمندگان هشت سال جنگ و تأثیر آن در توانایی رزمی آنان، باید ارتباط بینامتنی کلام آوینی و ادبیات دینی و عرفانی زبان و ادبیات فارسی موردتوجه قرار گیرد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد مقایسه‌ای به بررسی استفاده گفتار متن‌های آوینی از متون کهن معنوی و عرفانی ادب فارسی و تأثیر این باورها بر چگونگی رزم رزمندگان جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. بدین منظور بن‌مایه‌هایی مانند نیت، یقین، ایثار و شهادت را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های معنوی گفتار متن‌های شهید آوینی که در فرهنگ دینی و عرفان اسلامی تجلی کرده‌اند و در افزایش استقامت و قدرت رزمی رزمندگان میهن اسلامی تأثیر داشته‌اند در نظر می‌گیرد. میزان و چگونگی استفاده آوینی از این بن‌مایه‌ها را برای نشان دادن ابعاد معنوی رزمندگان در جهت تقویت قدرت رزمی و استقامت آنان، بررسی می‌کند این بررسی نشان می‌دهد هرچه نیروی معنوی و روحیه دینی قوی‌تر باشد توکل به خدا و اعتقادات قلبی برای مقاومت و ایثار رزمندگان در برابر دشمنان بیشتر می‌شود. نتایج این پژوهش مؤید این است که آوینی برای توصیف مشاهدات خود از جنگ، از مضامین عرفانی کلاسیک، تأثیر پذیرفته و به این مفاهیم جنبه‌ای پویا و زنده داده و آن‌ها را در اثر خود با صورت‌بندی معاصر با رنگ و پرتوی از حماسه و معنا، در جهت انگیزه و توان‌بخشی رزمندگان به کار گرفته است.

**واژگان اصلی:** ادبیات عرفانی دفاع مقدس، آوینی، نیت، یقین، ایثار، شهادت.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
۲. دانشیار مدعو گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
saber\_alef@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران که مبتنی بر رهبری‌های ولی‌فقیه و فقاقت دینی بود و برای رسیدن به نور و روشنایی، ولایت خداوند، برنامه‌های دینی را اصول و محور حرکت خود قرار داده بود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/ ۲۵۷) استکبار جهانی که روشنایی، آگاهی و دانش ملت‌های در بند را ویرانگر و مخالف منافع و سیطره خود می‌داند، به کمک ایادی و دست‌نشانندگان خود در منطقه که قرآن از آن‌ها به طاغوت یاد می‌کند، تلاش کرد با تحمیل جنگ هشت‌ساله راه ملت ایران را به سوی نور ببندد و او را در ظلمات وابستگی و دست‌نشانندگی و اسارت به بند بکشد: الَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ... (همان). بدین‌گونه عراق به نمایندگی از حکومت‌های استکباری جهان و با پشتیبانی آن‌ها به ایران حمله کرد و ایران با فرماندهی معنوی امام خمینی که خود فقیه و مرجعی عالی‌قدر و عارفی وارسته بود، جنگی را به نمایش گذاشت که ویژگی‌های معنوی آن در جهان معاصر بدیع و شگفتی‌آفرین بود. امام خمینی آگاهانه و با خردورزی عمیقی جنگ را به سمت یک مبارزه تمام‌عیار اعتقادی و ایمانی سوق داد و باتوجه به سخن مولانا «چون که صد آمد نود هم پیش ماست»، (مولوی، ۱۳۸۵: ۳۲۷) با درایت تمام همه انگیزه‌های دیگر اعم از دفاع از میهن و خاک و تمامیت ارضی ایران و حقوق‌حقوق ملت ایران و دفع ستم و... را در دایره بزرگ دفاع از ایمان و اسلام قرارداد، چراکه اسلام همه ارزش‌های والای حیات انسانی و آزادگی و استقلال ملی انسان را قبول داشت و دفاع از اسلام می‌توانست دفاع از همه آن‌ها محسوب شود: «... باید در دفاع از اسلام، محکم‌تر از همیشه با تمام توان، در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی جهان‌خواران، بایستید. چراکه امروز دنیای استکبار، خصوصاً غرب، خطر رشد اسلام ناب محمدی علیه منافع نامشروع خود را درک کرده است». (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۳۲۶) امام خمینی با نقد نگاه دشمنان خارجی و اندیشه‌های مادی دور از معنویت و ایمان به غیب می‌گوید: «... (آن‌ها) بادید مادی و محاسبات غلط به این پدیده الهی می‌نگرند، از ارزش‌های اسلامی و حجم قدرت ایمان و تحولی که به خواست خداوند قادر در ملت ایران پیدا شد، خبری ندارند» (همان ج ۱۳۴۲: ۱۶) این‌گونه امام با نقد محاسبات مادی آنان که برتری را به داشتن قدرت‌های زمینی جنگی مانند توپ، تانک و بمب می‌دانستند و صدام را با اهدای تجهیزات مادی کمک می‌کردند، ارزش‌های معنوی دینی در برانگیختن قدرت روحی و توانگری روانی رزمندگان ایران را مطرح می‌کند و

حجم بزرگ قدرت ایمان و تحولی را که در شخصیت و اعماق وجودی آن‌ها به خواست خداوند ایجاد شده است به رخ دشمن و جهانیان می‌کشد قدرتی که توپ و تانک و مسلسل نه تنها بر او اثر ندارد بلکه بی‌تردید از او شکست می‌خورد: «... واقعاً ارتش و نیروهای سپاهی و بسیجی‌ها مظلومانه و با کمترین امکانات جنگیدند و برگ‌های زرین افتخار و کرامت شرافت و شهادت را به اسلام عزیز هدیه نمودند» (همان، ۲۱:۳۵۶) امام خمینی بادقت و خلوصی بی‌شایبه انگیزه‌های دفاعی رزمندگان را در سرزمین ملکوتی ایمان و باورهای مذهبی صادقانه و خالصانه معماری می‌کند. او موفق می‌شود از آن‌ها انسان‌هایی وارسته و آسمانی بسازد و با نجات آن‌ها از حدود مرزهای ارزش‌های مادی زمینی و با نفس مسیحایی و با کلام عرفانی خود توانی شکست‌ناپذیر در آن‌ها می‌دمد: «انگیزه قدرت‌هایی که ما داریم، انگیزه این است که ما برای خدا جنگ می‌کنیم... این انگیزه لشکر اسلام است، در صدر اسلام هم همین انگیزه بود، الان هم همین انگیزه است» (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۳: ۲۵۰).

یکی از مصادیق بارز ادبیات دفاع مقدس کتاب گنجینه آسمانی آوینی است، کتاب او همچنان که آینه‌وند گفته است: «ادب مقاومت گاه بانگ بلندی است که پیوسته رساتر می‌گردد و همیشه سلاح را برای مبارزه به کمک می‌گیرد و گاه رنگ نجوا می‌گیرد تا آلام دردمندان مقاومت ملی را مرهم نهاد؛ اما هرگز خاموش نمی‌شود (آینه‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴). بانگ بلند و رسایی است که در توصیف و معرفی رزمندگان دفاع مقدس با الهام از بیانات و جهت‌دهی‌های حکیمانه و عارفانه امام، دقت ویژه‌ای در بیان ارزش‌های معنوی رزمندگان و نقش آن‌ها در استقامت و پیروزی رزمندگان ایران دارد. بدیهی است جامعه آماری این نوشته به دلیل مشاهدات آوینی از جبهه‌های زمینی جنگ، شامل سربازان، درجه‌داران، افسران و رزمندگان نیروی زمینی می‌شود؛ اما از آنجاکه تأثیر معنویت در روان و جان انسانی یکی است و یک سرباز نیروی زمینی به همان اندازه یک سرباز نیروی هوایی، نیروی دریایی و حتی بسیجیان مردمی به یک اندازه به خداوند و جهان غیب می‌تواند ایمان داشته باشد نتایج به‌دست‌آمده از این مقاله را می‌توان به همه رزمندگان و نیروهای مسلح حاضر در جنگ تعمیم داد.

این پژوهش نشان می‌دهد؛ چگونه آوینی با کمک و الهام گرفتن از متون عرفانی و معنوی ادبیات کلاسیک فارسی نوشتار روایت فتح را در بازنمایی ارزش‌های معنوی جان‌ودل رزمندگان ایران، آفریده است. او در بیان و توصیف صحنه‌های جنگ از مفاهیم عرفانی؛ نیت، یقین، ایشار،

شهادت و غیره بهره می‌جوید و به این مفاهیم رنگی از حماسه می‌زند و آن‌ها را در معنای سیاسی و اجتماعی بکار می‌برد. همه مفاهیم عرفانی در کتاب گنجینه آسمانی در کنار مفاهیم پایداری می‌نشینند و در ساختاری حماسی به کمک رزمندگان میهن درمی‌آیند. بدیهی است که به دلیل حجم مقاله، نمی‌توان همه ارزش‌های معنوی موجود در کتاب گنجینه آسمانی را به تفصیل بازگو کرد اما در نتیجه‌گیری بهتر تلاش می‌شود با ارائه جدول ارزش‌های معنوی در کتاب آوینی و میزان تأثیر آن‌ها در کمک به ارتقای توان رزمی رزمندگان را نمایش داد.

### ۱- بیان مسئله

ادبیات دفاع مقدس آینه‌ای برای انعکاس مقاومت‌ها و ارزش‌های بی‌بدیل است که در آن رزمندگان دلیر، باهدفی متعالی، در جهت حفظ هویت و شخصیت و یکپارچگی جغرافیایی یک ملت، تاریخی پرافتخار را برای هم‌وطنان خود رقم می‌زنند و ادبیات دفاع مقدس در راستای توجه به حقانیت مقاومت و تشویق به مقاومت با توصیفی برجسته‌ساز و تأکید کننده بر چهره معنوی جنگ، راه و چگونگی پیروزی حق بر باطل را تصویر می‌کند.

مسئله اصلی این پژوهش نشان دادن تأثیر ادبیات عرفانی و معنوی فارسی بر جان‌ودل رزمندگان میهن است که در روایت‌های فتح آوینی به شکلی برجسته نمایان است. با این هدف به‌عنوان نمونه بن‌مایه‌های نیت، یقین، ایثار و شهادت در متن کتاب گنجینه آسمانی آوینی از نظر آسمانی بودن و بیان ارزش‌های دینی و عرفانی و معنوی‌ای که بر دوش دارند و در متون سستی زبان و ادبیات فارسی به کار گرفته شده‌اند مورد بررسی می‌گیرد تا نشان دهد چگونه عبارت یا داستانی از آثار کهن فارسی؛ در خیال ادبی آوینی راه‌یافته و قلم او را در بازگویی ارزش‌های معنوی جان‌ودل رزمندگان ایران و توان‌بخشی و انگیزه‌بخشی این مفاهیم در رشادت‌های بی‌نظیر استقامت آنان، یاری داده است.

مسئله اساسی اینجاست که آیا در میدان جنگ این ابزارها و ماشین‌آلات جنگی است که قدرت و پیروزی می‌آفریند؟ یا نیروی برتر و مهم‌تر دیگری در کار است؟ نگاهی به تاریخ و تجربه هشت سال جنگ در ایران که در روایت فتح شهید آوینی ثبت شده، سخن از نیروی برتر و مهم‌تر دیگری می‌گوید، نیرویی که توانست رزمندگان ما را در برابر سیل کمک‌های مادی دنیای غرب و ماشین‌آلات مدرن ارتش عراق، چون کوهی استوار پابرجا بدارد تا آن‌ها حتی یک وجب از خاک ایران عزیز را از دست ندهند.

## ۲- پیشینه پژوهش

بی‌تردید در زمینه عرفان و دفاع مقدس به‌طور جداگانه پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته است آنچه در این مقاله بحث می‌شود و باعث تمایز آن از موارد پیشین است نگاه به نقش بن‌مایه‌های عرفانی و ارزش‌های معنوی در توانمندسازی روحیه دفاع و استقامت رزمندگان ایرانی و بیان آن در قلم آوینی و بازکاوی و بازیابی آن در زبان و ادبیات معنوی فارسی است. مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و الهی که در کتاب گنجینه آسمانی آوینی در توصیف رزمندگان و روایت‌های فتح آن‌ها در میدان‌های رزم، جمع شده‌اند. از این منظر مقاله حاضر تازه و بدیع است، اما گروهی از پژوهشگران که به بررسی این مجموعه پرداخته‌اند؛ عبارتند از:

دوویکتو (۱۳۹۹) در کتاب خود نشان داده است چگونه فیلم‌های مستند روایت فتح منبعی گران‌بها برای مشارکت در تاریخ‌نگاری این جنگ و تاریخ جهانی سینمای جنگ محسوب می‌شوند. ولی با پژوهش حاضر که متنی عرفانی است تفاوت دارد. احمد خمسه (۱۳۹۶) در کتابش در مورد مستند روایت فتح، توانست شکوه، شوکت و غربت رزمندگان را جاودانه کند و راز ماندگاری روایت فتح را به خوانندگان انتقال دهد. سنگری و آذین فرد (۱۳۹۷) در پژوهشی ابتدا یکی از فیلم‌های روایت فتح را معرفی سپس انواع توصیفات را از نظرگاه موضوعی و نکات سبکی و روایی تحلیل کرده‌اند و تاج‌الدینی در کتاب خود گزارشی در زبان‌شناسی از آوینی به دست آورده و استعارات تأویلی موجود در آثار وی را بررسی کرده است (۱۳۹۰) و همچنین در کتاب «همسفر خورشید» تفکرات آوینی در حوزه‌های گوناگون و نظرات دیگران را در مورد شهید بیان نموده است (۱۳۷۲). براساس جستجوهای به‌عمل‌آمده تاکنون پژوهشی باهدف و رویکرد تأثیر کلام عارفان کلاسیک در گنجینه آسمانی انجام نگرفته که نشان دهد این اثر می‌تواند متنی عرفانی باشد به همین دلیل با پژوهش‌های قبل تفاوت دارد؛ بنابراین تحقیق حاضر برای اولین بار به تأثیر ادبیات عرفانی کلاسیک فارسی بر روایت فتح آوینی به‌عنوان بخشی از متون عرفانی معاصر پرداخته است.

## ۳- پرسش پژوهش

چگونه آوینی در بحث نیت، یقین، ایثار و شهادت از ادبیات معنوی و عرفانی کلاسیک فارسی

بهره جسته است تا تأثیر این مفاهیم در توان روحی و روانی رزمندگان را بیان کند.

#### ۴-اهداف پژوهش

**هدف اصلی:** تأثیر تقویت نیروی معنوی و نقش فرهنگ دینی در افزایش استقامت و قدرت رزمی رزمندگان از دیدگاه آوینی با تأثیرپذیری از عارفان و شاعران. در این مقاله بر آنیم با تکیه بر گزارش‌های آوینی از جبهه و جنگ بیان کنیم که معنویت، ایمان و باور قلبی رزمندگان بیش از همایش رزمی و قدرت فیزیکی و مادی در بالا بردن توان رزمی آنان تأثیر و نقش داشته است.

**هدف فرعی:** آرمان‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس با توجه به ریشه‌های آن‌ها در فرهنگ و تاریخ ایران اسلامی به نسل‌های آینده انتقال داده شود.

#### ۵- روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی است، با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و طبقه‌بندی آن‌ها تحلیل و بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده، تلاش در پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش دارد.

#### ۶-بحث و بررسی

##### ۱-۶ عرفان: گفتمان معنابخش متون دفاع مقدس

اگر گفتمان را «محصول ارتباط و تعامل مباشران گفتگو در بافتی اجتماعی فرهنگی» بدانیم (یارمحمدی، ۱: ۱۳۹۳)، موضوع تحلیل آن عبارت خواهد بود از اینکه «چگونه جمله‌ها در زبان گفتاری و نوشتاری باعث تولید واحدهای معنادار بزرگ‌تر؛ مانند بند، مکالمه و مصاحبه می‌شوند» (آقا گل زاده، ۸: ۱۳۹۴). در تحلیل گفتمان به دنبال یافتن عوامل انسجام سخن و متن خواهیم بود. براین اساس گفتمان «سطوح مختلف تحلیل: معناشناختی، کاربردشناختی، سبک‌شناختی و روابط اساسی آن‌ها با انواع مختلف بافت‌ها، بخصوص بافت‌های روان‌شناختی و اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد» (ون دایک، ۱۱: ۱۳۹۴). سخن از روان‌شناسی زبان و رویکرد آن در جامعه و اجتماع، پای تحلیل گفتمان انتقادی را به میان می‌کشد «رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان که هدف آن آشکارسازی روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است» (آقا گل زاده، ۱۱: ۱۳۹۴). این‌گونه متون در ارتباط با بستر اعتقادی و ایدئولوژیکی و بافت اجتماعی که به تکوین آن‌ها منجر شده است، بررسی می‌شوند. پس باید گفت متن به‌عنوان یک مجرای ارتباطی، متأثر از

بافت، زمینه و گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی روزگار خویش است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای گفتمان، نظم‌بخشی و انسجام دادن به متن است. نظم و انسجامی که برگرفته از ساختار قدرت مسلط روزگار خود است. عرفان به‌عنوان یک گفتمان غالب در ادبیات فارسی، موقعیت‌های تاریخی زیادی از ادبیات را تحت تأثیر قرار داده است و به ادبیات در طول ادوار گوناگون، صورت‌بندی‌های فرمی و معنایی ویژه‌ای بخشیده است. از این منظر یک متن ادبی، هم‌گویای ذهنیت نویسنده آن و هم‌نمایان‌کننده کنش‌های گفتمانی متعددی است که بر تاریخ و دوره‌ای که نویسنده در آن به سر می‌برد، حاکم است. براین‌اساس عرفان کلیتی است که متون گوناگون در طول تاریخ تحت تأثیر آن ساماندهی شده‌اند. آثار آوینی بنا به ساحت دینی و معنوی‌ای که در پرتو آن شکل گرفته است، ارتباط معناداری با غایت عرفان که شناخت خداوند است پیدا می‌کند. در حقیقت آثار وی، به‌نوعی عرفان عملی هستند که آوینی در ضمن آن‌ها تلاش کرده تا با پیوندی معنادار، کنش‌های زبانی و معنایی ادبیات پایداری معاصر را در قالب اندیشگانی عرفان به تصویر بکشاند. بی‌شک عرفان و هر ایدئولوژی مسلط برای ابراز و حفظ قدرت و گفتمان حاکم از زبان سود می‌جوید. این استفاده از زبان در همه سطوح آن از نظام آوایی گرفته تا واژگان و ساخت‌های نحوی و عناصر بلاغی قابل‌بررسی است. ما در این مقاله به بررسی لایه واژگانی، بسنده می‌کنیم و با بررسی و پیگیری واژگان نشان‌دار که در متون عرفانی کلاسیک زبان و ادبیات فارسی، به‌وسیله عارفان، به واژگانی محرک، زنده و پر از عاطفه‌های معنوی و عرفانی تبدیل شده‌اند و در اصطلاح گفتمان «به آن‌ها واژگان غنی شده می‌گویند» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۵۶)، شاخصه‌های گفتمان عرفانی در گنجینه آسمانی آوینی را نشان می‌دهیم. در این پژوهش ما از این واژگان با عنوان بن‌مایه یاد کرده‌ایم. بن‌مایه، «درون‌مایه، شخصیت یا الگوی معینی است که به صورت گوناگون در ادبیات و هنر تکرار می‌گردد. همچنین به عنصر تکراری در یک اثر ادبی گفته می‌شود» (داد، ۱۳۸۳: ۸۵). شاخصه‌های گفتمان عرفانی در گنجینه آسمانی را با چند بن‌مایه که می‌توان از آن‌ها با عنوان واژگان غنی شده و نشان‌دار یادکرد. موردبررسی قرار می‌دهیم.

## ۲-۶ نیت

نیت به معنای قصد است و قصد حلقه اتصال بین علم و عمل می‌باشد؛ چراکه اگر کسی نداند که باید کاری را انجام دهد، قصد انجام آن را نمی‌کند و تا چنین قصدی نکند آن عمل صورت نمی‌گیرد. «نیت را اندر کارها سلطان عظیم است و برهان صادق؛ که بنده به یک نیت از حکمی به حکم دیگر

شود، بی از آن که بر ظاهرش هیچ تأثیر پدیدار آید... پس نیت خیرات اندر ابتدای عمل، گزاردن حق آن باشد» (هجوی، ۱۳۹۶: ۶) همچنان که خداوند می فرماید: «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ إِن تَبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخَفَوْهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۲۸۴). (آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست؛ و اگر آنچه را در دل دارید، آشکارسازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می کند. سپس هر کس را بخواهد و شایستگی داشته باشد، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می کند و خداوند به همه چیز قدرت دارد). مطابق این آیه، مالکیت حقیقی از آن خداست؛ و اوست که از آنچه در نفس و نیت انسان می گذرد آگاه است؛ و همه چیز، چه آشکار و چه نهان بر خداوند پوشیده نیست.

«وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرُّكُمْ وَ جَهْرُكُمْ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ» (انعام/ ۳) پس خداوند به نیت خیر رزمندگان توجه داشت و همین نیت خیر فارغ از هرگونه نتیجه ای اعم از شکست و پیروزی، همچون چراغی دل آنان را گرم و روشن می کرد و آنان را در راه رزم پرنشاط و ثابت قدم می کرد.

مبدأ سیر و سلوک قصد است و باید سالک مقصد معینی را در نظر بگیرد و چون مقصد کمال مطلق است، باید نیت، تقرب به حق تعالی باشد؛ زیرا که کامل مطلق ذات پاک اوست. آوینی نیت را یک امر باطنی می داند وی می گوید: «معنا و ارزش اعمال در نیت است و نیتها در باطن انسان پنهان اند» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۸۵). همان گونه که اعمال رزمندگان مطابق نیاتشان بود همان طور که امام خمینی فرموده بود آنها برای خدا می جنگیدند و همین نگاه آنها را از زمین و ارزش های مادی آن بریده بود و در رسیدن به خدا و رضایت خداوند با جان و دل در برابر سختی های نبرد استقامت می ورزیدند. آنها در ابتدا نیت کرده و سپس پا به عرصه عمل گذاشته و وارد میدان نبرد حق علیه باطل شده اند. در بررسی عمل خالصانه، در واژه های نیت و عمل از منظر آوینی ارتباط تنگاتنگی مشاهده می شود. به بیان دیگر؛ نیت به منزله روح و عمل به منزله جسم است و وجود جسم بدون روح امکان پذیر نیست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی فرمودند: «أَنَّ الْأَعْمَالَ بِالنِّيَّاتِ» اعمال با نیت شکل می گیرند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ۱۸۹). آوینی بیان می دارد، «آنچه به همه اعمال معنا و مفهوم می بخشد معتقدات ماست. با توجه به این اعتقادات اول نیت کرده سپس وارد میدان عمل می شویم» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۸۵). آوینی همانند عارفان اولین قدم در عرفان را نیت پاک و خالص رزمندگان برای ورود به جبهه می داند که نیت پاک آنها در رزم برای تقرب به خداوند باعث می شد هرگونه شکست

و سختی خللی در مقاومت و عزم راسخ آنها برای رزم به‌وجود نیاورد.

### ۶-۳ یقین

یقین در عرفان به معنای از میان رفتن هرگونه شک و تردید در اعتقاد به غیب است. پس برخاستن این تردیدها باعث مشاهده غیب به صفای باطن و رؤیت نور ایمان می‌شود. رسیدن به چنین مرتبه‌ای از طریق شناخت و معرفت یقینی، به‌وسیله کشف و شهود قلبی در پرتو سیروسلوک و ریاضت امکان‌پذیر است؛ بنابراین سالک وقتی به مرتبه یقین می‌رسد، وجود خدا را اثبات نمی‌کند، بلکه آن را با اطمینان قلبی احساس می‌کند. در واقع یقین، دیدن حقیقت با چشم دل است. منبع و سرچشمه یقین، قلب و دل انسان است؛ نه عقل و استدلال و برهان عقلی. از این رو آوینی معتقد است تمام پیروزی‌های رزمندگان از مرکب یقین به دست می‌آید و در توصیف رزمندگان می‌گوید: «ما خط را نشکستیم خدا شکست و همه اسرار در همین کلام نهفته است» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۸). این عبارت از یقین کامل رزمندگان و ایمان قلبی آنها سرچشمه می‌گیرد که حتی شکست دشمن را از سوی خداوند می‌دانند، نه به سبب تلاش خود.

باتوجه به کلام عرفا هرگاه انسان چیزی را با اعتقاد و باور قلبی تصدیق کند و بپذیرد، به آن چیز ایمان قلبی پیدا کرده است؛ اما اگر چیزی را پذیرفته باشد ولی جزء باورهای قلبی او نگردد و یا به‌گونه‌ای نباشد که عاشقانه بدان عمل کند و همراه با شک و گمان باشد، به آن چیز ایمان ندارد. در ایمان، خوف و دلهره و شک وجود ندارد. می‌توان گفت که یقین لازمه ایمان است. سه جزء ایمان عبارت‌اند از: جزء اول، تأیید قلبی (که همان برخواستن هر نوع شک و تردید و یقین است)؛ جزء دوم، اقرار به زبان و جزء سوم، عمل کردن طبق معتقدات است.

آوینی اطمینان خاطر و شجاعت رزمندگان در مقابل خطرات میدان جنگ و آرامشی که بر وجود آنها حاکم بود را نشانه یقین و ایمان آنها می‌داند. «حمله هواپیماهای دشمن دیگر هیچ‌کس را نمی‌ترساند؛ زیرا بر این باور بودند که امید دشمن به ترس ماست و اگر ترسیم، مکر شیطان یکسره بر باد می‌رود... آرامشی که بر وجود این جوانان حاکم است به‌راستی حیرت‌انگیز است و با هیچ‌یک از تصاویری که از جنگ برای ما نقل می‌شد موافقت ندارد». (آوینی، ۱۳۹۳: ۲۹) و این شجاعت و سکون، یقین کامل رزمندگان اسلام را به خداوند بیان می‌کند.

در مرصادالعباد آمده است: «ذات پاک حق را بوحدانیت توان شناخت و صفات الوهیت را بعین‌الیقین مطالعه توان کرد» (رازی، ۱۳۹۱: ۱۱۸). آوینی باتوجه به این مطلب، در وصف

رزمندگان می‌گوید: «درست در بجهوحه سخت‌ترین امتحانات الهی و در یک‌قدمی مرگ مزاح می‌کنند و می‌خندند و اگر کسی آن‌ها را نشناسد می‌پندارد که مرگ را به بازی گرفته‌اند؛ اما ما که آن‌ها را می‌شناسیم. آنچه هست این است که آنان سخت به وعده‌های خدا یقین دارند» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۸۳). پس می‌توان گفت رزمندگان در این وادی به مرحله عین‌الیقین دست یافته‌اند. باتوجه به سخن آوینی، کسانی که وارد میدان جنگ شده‌اند، تعلقات مادی را با تهذیب نفس از بین برده‌اند. آن‌ها هر نوع شک و تردید به حقایق خداوند را کنار گذاشته، کارها را به وی سپرده و در سنگر یقین خدا پناه گرفته‌اند. به‌طوری‌که از نیروی دشمن هیچ باکی نداشته، پیش می‌روند؛ چون یقین دارند که نیروی و سنگری مستحکم‌تر از نیرو و سنگر دشمن همراه آن‌هاست. آن‌ها وجود چنین نیرویی را با قلب خود حس می‌کنند و با چشم باطن می‌بینند. آوینی در متن کتاب گنجینه آسمانی یقین کامل رزمندگان را با مثالی از استقامت جوانی از خمین بیان می‌دارد. «گردان‌های انصار، دلاوران بی‌سنگری هستند که در سنگر یقین پناه گرفته‌اند. پیام ما استقامت است و این نور فراتر از زمان و مکان، از خزائن معنوی آیه مبارکه ۱۱۲ سوره هود «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» بر ما تاییده است. فرماندها مشغول توجیه مراحل بعدی عملیات بودند که امدادگران آن مجروح دلاور را از کنار ما عبور دادند. دست‌وپا و چشمش ترکش خورده بود، اما با همان یک‌چشم سالم به ما می‌نگریست و با همان یک‌دست سالم انگشت‌هایش را به نشانه پیروزی از هم گشوده بود» (همان: ۱۵۲). رزمندگان در سنگر یقین باوجود از دست دادن اعضای بدن، با اطمینان و یقین قلبی به مبارزه با دشمن ادامه می‌دادند و آگاهانه مانند یک سالک استقامت می‌کردند. آن‌ها اهل یقین هستند و هیچ شک و تردیدی به دل راه نمی‌دهند. «عشق؟ همین جاست. چه می‌جویی انسان؟ اینجاست. همه تاریخ اینجا حاضر است بدر و حنین و عاشورا اینجاست و شاید آن یار، او هم اینجا باشد. این شاید که گفته‌ام از دل شکاک من است که برمی‌آمد؛ اهل یقین پیامی دیگر دارند. بشنو» (همان: ۱۷). رزمندگان با توسل به این یقین، دلهره‌ها را زدوده‌اند و در راه رسیدن به هدف خود گام‌های استواری برمی‌دارند. همان‌طور که آوینی می‌گوید: «لشکر مقدس امام حسین (ع) شهرت خط‌شکنی دارد و این نشان شجاعت و ایمان است که بر تارک شهر اصفهان می‌درخشد. شجاعتی که ریشه در یقین داشته باشد، شجاعت حقیقی است و در سخت‌ترین شرایط نیز از بین نمی‌رود» (همان: ۲۱۵). از نظر آوینی نیرویی که برخاسته از ایمان درونی باشد، نیرویی شکست‌ناپذیر است و هیچ‌کسی و حتی قوی‌ترین سلاح‌ها توان مقابله با آن را

ندارد، وی بیان می‌کند: «ما با خمینی امین بیعت می‌کنیم و از سر یقین راه شهید صدر را ادامه می‌دهیم و با خون خود می‌نویسیم: کیست خون‌خواه شهدا؟ کیست خون‌خواه حسین، کیست خون‌خواه حسین؟ اگر دستان و پاهای ما را نیز قطع کنند، یا حسین! باز هم به زیارت تو می‌شتایم» (همان: ۱۴۵) و اذعان می‌دارد نیروی یقین است که آن‌ها را در این نبرد هدایت می‌کند و از ادامه راه خسته نمی‌شوند.

با مشاهده عبارت‌هایی از کتاب گنجینه آسمانی، به دیدگاه آوینی در مورد یقین پی می‌بریم. «آمریکا با مانورهای «ستاره دریایی» و «جنگ ستاره‌ها» خوش باشد. دریا، دل مطمئن این بچه-هاست و ستاره‌ها نور از ایمان این بچه مسجدهای می‌گیرند» (همان: ۱۸) این مطلب در نگرش آوینی یک باور عرفانی است که همه چیز را در وجود خدا ببیند و خود را هیچ پندارند، مشاهده و شهود حق هم دارای همین اسرار است و انسان به مرحله‌ای می‌رسد که همه چیز را خدا می‌بیند. گوش او می‌شود، گوش خدا. چشم، چشم خدا، اعضا و جوارح بدن برای خدا می‌شود. او با چشم خدایی می‌بیند و با گوش خدایی می‌شنود. براین اساس می‌توان گفت یقین و باور به اراده خداوند و غیب در نتیجه اعمال انسان تأثیر می‌گذارد، می‌تواند از رزمندگان سدهای پولادین بسازد که صدها مانور ستاره دریایی امریکا، در برابر آن عاجز و ناتوان باشد. آوینی بعد از مؤلفه یقین از اطمینان و توکل هم سخن گفته است؛ نمونه‌هایی از آن‌ها را بیان می‌کنیم.

#### ۴-۶ اطمینان

آوینی گاهی از یقین با عنوان اطمینان یاد می‌کند. چیزی که حاصل کنار گذاشتن هرگونه شک و تردید در قلب و روح است. با این اطمینان باطنی است که رزمندگان اسلام توانستند در بسیاری از مبارزات پیروز شوند و دشمن را شکست دهند. «اطمینان تنها در یاد خداست و برای آنکه با یاد خدا انس دارد، زمین و آسمان و دریا تفاوتی ندارد. همه جا ملک خداست و هیچ حول و قوه‌ای مگر از جانب او نیست» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۶۹) اطمینان که حاصل شود در هیچ جایی از جهان هستی، بنده از یاد خدا غافل نمی‌شود. در نمونه‌های زیر آوینی از مؤلفه اطمینان و یقین در توصیف رزمندگان بهره برده است: «اگر آمریکا تهدید خود را عملی کند و از راه خلیج با ما روبرو شود، چه خواهید کرد؟ جواب آن‌ها بسیار روشن بود و از دلی که به یاد خدا اطمینان یافته بود برمی‌آمد: خلیج گورستان آن‌ها خواهد شد» (همان: ۱۷۸). «اما شجاعت حقیقی در اینجاست. وقتی که کسی از غیر خدا نترسد شجاعت او الهی است و ریشه در یقین دارد. شیطان از انسانی این چنین است که

وحشت دارد» (همان: ۱۷۹). گزارش‌های آوینی در بیان مؤلفه عرفانی یقین و اطمینان و مشاهده این صفت در جان‌ودل رزمندگان جنبه توصیف و سخن‌سواری ندارد بلکه جنبه‌ای سلوکی و عملی در باطن و قلب آنان است؛ وی بیان می‌کند آن‌ها قبل از این‌که پا به میدان مبارزه علیه باطل بگذارند تمام شک و تردیدها را از قلب خود زدوده‌اند و با قلبی سرشار از اطمینان و یقین قدم به عرصه نبرد گذاشته‌اند. اطمینانی که به آن‌ها نیرو می‌بخشد و قدم‌های آن‌ها را در مسیر رودرویی با نیروهای دشمن پولادین و استوار می‌سازد.

### ۵-۶-۱ ایثار

ایثار در عرفان خود را فدای جانان کردن است. آوینی ایثار را از دو دیدگاه بازمی‌گوید: نخست، ایثار بین رزمندگان و خانواده آن‌ها و دوم، ایثار مردم عادی. در تعریفی سراسر است از دو گونه ایثار در نگرش آوینی می‌توان شاهد آورد. در نگاه مردم عادی، فداکاری‌های معمولی مدنظر است و یا فداکاری مادرانه را همه به‌طور قطع ایثار می‌دانند. در بین رزمندگان «دیدن بسیجی جوانی که پای یک افسر عراقی را پانسمان می‌کند بیش از هر صحنه‌ای دیگر می‌تواند سخن از تحول عظیمی بگوید که در ما رخ داده است» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۰۸) آوینی این عمل را کامل‌ترین وجه از ایثار می‌داند که در بین رزمندگان اسلام در جریان است.

### ۵-۶-۱ ایثار در بین خانواده رزمندگان

آوینی در بیان ایثار از طرف خانواده رزمندگان مطالبی را بیان می‌کند تا بدین وسیله قدرت ایثار را نشان دهند نه قدرت اسلحه را. «یکی از مردم می‌گفت: «اگر صد پسر داشته باشم همه آن‌ها را قربانی اسلام می‌کنم» و دیگری که فرزندش را بدرقه می‌کرد می‌گفت: «افتخار می‌کنم که لقمه حرام برایش نبرده‌ام و نتیجه‌اش را این‌گونه گرفته‌ام» این‌ها برای تحقق اهداف آل پیامبر (ص) به جبهه می‌روند» (همان: ۱۸۲). تلاش خانواده رزمندگان برای تحقق اهداف پیامبر و اولادش در جبهه‌ها از هر قشری نشانه ایثار است. بدین‌گونه آوینی در نشان دادن آن تحول عظیم الهی در مردم ایران که در مقدمه از زبان امام خمینی بیان شد، اهتمام می‌ورزد. او تلاش می‌کند تحولی که به کمک ایمان به ارزش‌های دینی و معنوی، از آن‌ها بنیانی مرصوص در برابر دشمن می‌ساخت، نشان دهد.

### ۵-۶-۲ ایثار در بین مردم عادی

آوینی معتقد است که نقطه قوت مردم عادی ایثار است که منجر به اطمینان فرد می‌شود. او در جایی به پیرزنی اشاره می‌کند که یک سال تمام برای رزمندگان اسلام بادم جمع کرده است، آوینی

این را رمز استقامت ما می‌داند و بیان می‌کند: «اگر می‌خواهی رمز پایداری اسلام را دریابی به دره بید بیا. اینجا پیرزنی هست که از پاییز سال پیش کیسه بادامی جمع کرده است تا آن را در راه خدا هدیه کند. کسی به این کیسه بادام نیاز ندارد، اما بدین وسیله آن پیرزن سهم عظیم خویش را در راه حاکمیت حق و استمرار ولایت باز می‌یابد» (همان: ۱۱۹).

هجویری ایثار را بر دو نوع می‌داند: «حقیقت ایثار آن بود که اندر صحبت، حق صحبت نگاه دارد و نصیب خود اندر نصیب وی فروگذارد و رنج بر خود نهد از برای راحت صاحب خود ... اما مراد اینجا ایثار است و آن بر دو گونه است: یکی در صحبت چنین که ذکرش گذشت و دیگری اندر محبت و اندر ایثار حق صاحب نوعی از رنج و کلفت است؛ اما اندر ایثار حق دوست همه روح و راحت است» (هجویری، ۱۳۹۰: ۲۸۷) آوینی این ایثار حق صاحب را که رزمندگان با تحمل رنج و در معرکه جهان برمی‌گزینند با مضمون سوختن در راه معشوق پیوند می‌زند که در انتها با توجه به نظر هجویری به راحت و ریحان منجر می‌شود. «جهان معرکه امتحان است ای برادر و بهترین ما کسی است که از بهترین آنچه دارد در راه خدا بگذرد».

آنکه دائم هوس سوختن ما می‌کرد  
کاش می‌آمد و از دور تماشا می‌کرد  
(آوینی، ۱۳۹۳: ۱۷۳)

در وجود هر انسان ارزشمندترین چیز جان اوست و رزمندگان جان خود را فدا می‌کنند که این موضوع تداعی‌گر سوختن شمع گونه در برابر جانان در خاطر آوینی است. با نگاهی به ابیات ذیل - که بیت اول را آوینی بدون ذکر منبع به‌عنوان شاهد مثال در کتابش آورده است - بازتاب آن را به‌خوبی می‌بینیم.

آنکه دائم هوس سوختن ما می‌کرد  
یاد ایام طفولیت خود افتادم  
کاش می‌آمد و یک‌شب وسط سینه‌زنی  
در عزای پدرش ناحیه نجوا می‌کرد...  
کاش می‌آمد و از دور تماشا می‌کرد  
زود در این دل من یاد شما جا می‌کرد...  
(نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۲۹۶)

### ۵-۶-۳ ایثار از زبان مادران شهدا

آوینی با تأکید به سخن معروف امام خمینی «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود» ایثار را از زبان مادران شهیدان چنین بیان می‌کند: «مادر صبور و پراستقامت یوسف در جواب ما که پرسیده بودیم در قبال خبر شهادت او چه احساسی داشتید، می‌گفت: هیچ، می‌دانستم که دیر یا زود پیش خواهد

آمد و خدا را شکر گفتم که فرزندی این چنین به من عطا فرموده است که او را تقدیم اسلام کنم» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۲۸) آوینی به روایت از مادر شهید اصغری می گوید: خانم اصغری می گفت: «من تاکنون شش فرزند ازدست داده‌ام و باین همه هیچ ناراحت نیستم» (همان: ۱۲۸) همچنین از زبان مادر شهید رحمانیان می گوید: «مادر شهید علی اکبر رحمانیان می گوید: کاش من بیش از یک پسر داشتم که در راه خدا ایثار می کردم ... روزی که برای رفتن به سپاه خداحافظی کرد گفتم اول صدقه سر علی اکبر امام حسین تو را دادم، دوم هر چه خدا قابلمان دانست ... خدا این قربانی را قبول کند؛ هدیه ناقابلی دادم امانت خودش بود، ولی الحمدالله که آن را صحیح و سالم تحویل دادم» (همان: ۵۲). این قربانی عظیم مادرانه، در ذهن آوینی نوعی ایثار والاست که پررنگ شده و از زبان مادر شهید بیان کرده است. همچنین به دنبال سخن مادر دو شهید به نقل از رزمنده‌ای می گوید: «مادر شهید زین الدین و برادرش که همش دوتا فرزند داشت، فرمودند: «کاش به تعداد تمام رگ-های بدنم پسر داشتم و در این راه قربانی می کردم» منم پی گفته اون مادر رو می گیرم و میگم کاش به تعداد تارهای مویم پسر داشتم و در این راه قربانی می کردم» (همان: ۱۲۸) و همچنین از زبان مادری که فرزندش شرایط سنی برای اعزام به جبهه را نداشت به این مسئله اشاره می کند و ایثار را فقط به رزمندگان اختصاص نداده بلکه به خانواده‌ها هم که از عزیزترین داشته‌های خودشان که فرزندانشان است می گذرند، سخن می گوید. زن میان‌سالی می خواهد فرزند سیزده‌ساله‌اش را بفرستد، اما مسئولان اجازه نمی دهند، می گوید: «من الان مادر شهیدم افتخار می کنم که بچه‌های من به این راه میرن. به گفته رهبرمون امام که بچه‌ها برن در اسلام کمک بکنن» مسئول اعزام می گوید: «خب، این بچه مثل این که شرایط سنی نداره مادر.» زن می گوید: «نداشته باشد من تقدیم می کنم به اسلام، افتخار می کنم که بچه‌ها بره، راضی ام بچه‌ها بره. هر طور هم بخواین من امضا می کنم بچه‌ها بره. بچه‌ها امانت اند دست ما و باید امام ما با رفتن این‌ها خوشحال بشه. دیگه به زندگی علاقه ندارم و از همه خانواده‌ها می خوام که بچه‌هاشون را بفرستن بره ...» (همان: ۳۳۳). بدین گونه آوینی نشان می دهد که معنا و ایمان و باور به غیب در جان و دل جامعه، اعم از مادران، پدران و فرزندان خانه می کند ایثار فقط در وجود رزمندگان خلاصه نمی شود که تمام هستی خود را در راه معشوق نثار کرده‌اند؛ بلکه در وجود تمام افراد جامعه به خصوص مادران شهدا موج می زند و جامعه برخوردار از ویژگی معنوی ایثار، چنان در بخشش جان و مال خود در راه پیروزی و ارتقای اجتماع پیش می رود که از آن جامعه در همه صحنه‌های زندگی و نبرد، نمی توان جز پیروزی را

انتظار داشت.

## ۶-۶ شهید و شهادت

شهید، آنکه در پرتو تجلیات معشوق محو شود (سجادی، ۱۳۹۳: ۵۱۷). شهدا کسانی هستند که در راه حق و مبارزه با باطل با تمام قوا و بدون هیچ شک و تردیدی می‌جنگند و در آن مسیر از نثار کردن جان خود دریغی ندارند. آن‌ها می‌دانند که برای رسیدن به حیات جاودان و نائل شدن به دیدار حق باید از مرحله فنا بگذرند و همه او شوند تا زندگی حقیقی و حیات جاودان را به دست آورند و در بارگاه خداوند حاضر باشند و از نعمت‌های او بهره‌مند شوند و در کشف‌الاسرار آمده است: «و ربُّ العالمین شهیدان را زندگان خواند: بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (مید، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۰۴). همچنین در کشف‌المحجوب آمده است: «... جان‌ها برده مقام قایم‌اند: اول جان مخلصان که محبوس‌اند اندر ظلمتی و ندانند که چه خواهند کرد و ... ششم جان‌های شهیدانند که اندر حواصل مرغان، اندر بهشت، در ریاض آن، آنجا که خواهند می‌روند گاه‌وبیگاه ...» (هجویری، ۱۳۹۶: ۳۸۸). پیامبر اکرم (ص) درباره شهادت فرموده است: «أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ»: شرافتمندانه‌ترین مرگ، شهادت است (مجلسی، ج ۱۰۰: ۸).

شهادت فنا شدنی است که زندگی جاودانی را در پی دارد و این فنا شدن برای رسیدن به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق و قرب خداوند است. شهید برای رسیدن به هدف و مقصودش که وصال به محبوب و معشوق حقیقی است، به مرگی تن می‌دهد که از نظر پیامبر اکرم (ص) شریف‌ترین و بالاترین نوع مرگ است. شهید با فنا کردن جسمش به حیاتی طیبه و به‌دوراز آلودگی و ناپاکی دست می‌یابد و همان‌طور که خداوند در آیه‌هایی از قرآن کریم متذکر شده است، آن‌ها در سرای جاودان زنده‌اند و در آنجا نعمت‌های خداوند شامل حال آن‌ها می‌شود. سنایی در وصف شهید و شهادت سروده است:

با صدق و با شهادت رفتند مردوار  
گر ره‌روی تو نیز، ره آن قطارگیر  
(سنایی، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

شهید آوینی نیز با تأثیر از کلام خداوند و اشارات پیامبر اکرم و امامان معصوم به جایگاه شهدا، نگاهی کاملاً عرفانی به شهدا دارد و آنان را طلایه‌داران تحول باطنی و مجاری فیض و رحمت خداوند می‌داند. کسانی که نه‌تنها برای رسیدن به بارگاه خداوند و دیدار او تمام تعلقات مادی را از

خود گسستند و خود را از قید اسارت آن‌ها رها کردند؛ بلکه جان خود را نیز بدون هیچ تردیدی در این مسیر نثار کردند. کسی که به حدی از شوق و اشتیاق وصال به معشوق می‌رسد که از جان خود نیز در این مسیر می‌گذرد، رها کردن دنیا برای او بسیار آسان‌تر است.

آوینی در مفهوم عرفانی شهید می‌گوید: «وقتی به یاد می‌آورم در عملیات بدر، لحظاتی را که در برابر تیر مستقیم دشمن، رضا، مصطفی و اکبر چگونه با خیزهای بلند به‌نوبت می‌دویدند و به یک‌باره خود را به زمین می‌انداختند و صبر می‌کردند تا دیگری برسد و این‌گونه از تیررس دشمن دور می‌شدند، درمی‌یابم که چگونه رضا لیاقت دیدار یافته است و ما نیافته‌ایم. پای او بال شکسته‌ای بود که می‌خواست او را از پرواز بازدارد، اما دل شکسته عاشق برای پرواز نیازی به بال ندارد. رضا از آسمان اول هم گذشت و به معراج رفت» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۶۳) و باز تأکید می‌کند، دل شکسته عاشق برای پرواز نیازی به بال ندارد. «قطع امید از اسباب و ابزار فی‌نفسه با قرب خدا همراه است و انسان در دل آسمان لایتناهی چه خوب این معنا را درمی‌یابد و آن را با تمام قلب خویش احساس می‌کند ... و دلی که با یاد خدا می‌تپد و همواره خود را در محضر حق می‌یابد و از یقین نیرو می‌گیرد، هرگز نمی‌ترسد و سرّ رشادت ما همین است» (همان: ۱۶۸) و ادامه می‌دهد: «شهدا طلیعه‌داران تحول باطنی ما و مجاری فیضی هستند که رحمت و نصرت خدا را بر ما نازل می‌گردانند. مردم خوب روستای وانشان در پناه امامزاده ابوالفتوح (علیه‌السلام) هستند و او را بر خود و اعمال خویش شاهد گرفته‌اند. وقتی انسان از جان خویشتن در راه خدا می‌گذرد، از مال گذشتن نیز برایش دشوار نیست» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). این سخن شهید آوینی نشان می‌دهد که برای رسیدن به قرب الهی باید همانند شهدا و رزمندگان اسلام، از مال و جان گذشت و باید همه‌چیز را فدا کرد و دنیا و زیبایی‌های گول زنده دنیا را نیز برای همیشه فراموش کرد تا لایق شهادت شویم. آوینی شهادت را تولدی دیگر می‌داند: «شهادت پایان نیست آغاز است؛ تولدی دیگر است در جهانی فراتر از آنکه عقل زمینی به ساحت قدسی آن راه یابد. تولد ستاره‌ای است که پرتو نورش عرصه زمان را درمی‌نوردد و زمین را به نور رب‌الارباب اشراق می‌بخشد» (همان: ۲۱۳). در این قسمت آوینی به آیه ۱۶۹ آل عمران قرآن کریم توجه دارد و شهادت را پایان زندگی نمی‌داند؛ بلکه آن را مرحله‌ای می‌داند که شهید پس از طی آن وارد زندگی حقیقی و جاودان آخرت می‌شود، جایی که از نعمت‌های خداوند بهره‌مند می‌شود و زندگی خوشی را در پی می‌گیرد. شهید آوینی می‌گوید: «وقتی یکی از بچه‌ها شهید می‌شود، مظهر و آینه دیگران می‌شود؛

دیگرانی که هنوز شهید نشده‌اند اما کم از شهدا هم نیستند؛ با گمنامی و بدون هیچ چشم‌داشتی نفس‌های خود را یکایک قربانی حق و راه او می‌کنند و مگر نه این‌که حضرت امیر (ع) پیشوای این گمنامان فرموده‌اند: «نفس‌هایی که انسان می‌کشد، قدم‌هایی است که به‌سوی مرگ برمی‌دارد؟» اگر مرگ انسان آغاز حیات جاودانه‌اش باشد. نفس‌های او قدم‌هایی است که به‌سوی جاودانگی برمی‌دارد. راه حق آمیخته با دشواری‌هاست؛ اما از این دشواری‌ها شیرین‌تر هیچ نیست» (آوینی، ۱۳۹۳: ۲۲۲) همچنین می‌گوید: «وقتی اراده ما پرتو ایمان قلبی ماست، دیگر شهادت نه تنها از راه باز نمی‌دارد که چراغ راه می‌شود» (همان: ۱۹۵). در گزارش‌های آوینی شهادت پایان زندگی رزمندگان نیست؛ بلکه شروع زندگی جاویدان، پاک و به‌دوراز آلودگی و ظلمت است. برای رسیدن به این زندگی جاودان، شهید و سالک راه حق باید دشواری‌های بسیاری را پشت سر بگذارد؛ اما چنان شور و اشتیاقی در وجود این رهروان است که بی‌هیچ ترس و دلهره‌ای سختی‌های راه را سپری می‌کنند گویی نوری آن‌ها را به‌سوی خود می‌کشد و آن‌ها را وارد مسیری می‌کند که مقصد آن حق و دیدار حق است: «ملت مسلمان ایران اکنون آینه‌ای است که نور حق در آن جلوه کرده است و همین نور می‌رود تا از مشرق طلوع کند ... و ما هر چه داریم از حیات طیبه شهادت است آیینگی نه کار هر شیشه شکسته غبارگرفته‌ای است؛ از خود گذشتن می‌خواهد که تا از خود نگذری نور خدا جلوه نمی‌کند. مبارک باد بر تو ای انسان رجعت دیگر باره‌ات به وطنی که از آن دورمانده بودی و در طلبش، در گم‌گشتگی کوچه‌پس‌کوچه‌های بن‌بست شهر ظلمت سرگردان بودی اکنون بازگشته‌ای و به حقیقت الله‌اکبر واصل شده‌ای ...» (آوینی، ۱۳۹۳: ۱۲۷) او شهدا را کلیدداران کعبه شیدایی می‌داند. (همان: ۲۴۲) ...

با یک تحلیل مقایسه‌ای در متون عرفانی و ادبیات کلاسیک فارسی با گفتار متن‌های شهید آوینی در بحث شهید و شهادت به این نتیجه می‌رسیم که یکی از مضامین پرکاربرد عرفان بحث فنا است که عارفان برای رسیدن به مقام فنای فی‌الله تمام سختی‌های راه طریقت را با جان‌ودل می‌پذیرند تا به این مقام والا برسند. شهید آوینی هم بحث فنا را با مضامینی چون شهید و شهادت در معنای سیاسی و اجتماعی آن بکار برده است و در توصیف رزمندگان و شهیدان عنوان می‌کند: آن‌ها سرانجام با گذر از سختی‌های جانکاه جنگ با شهادت به‌سوی معبود خویش پرواز می‌کنند و با فنای فی‌الله یک زندگی پاک و به‌دوراز آلودگی و جاویدان را آغاز می‌کنند.

تجلیل از شهیدان، به‌عنوان کسانی که در راه عقیده خویش به جهاد برخاسته و در این طریق

به خون خویش در غلتیده‌اند و تقدیس شهادت، به‌مثابه یک فرهنگ عرفانی اصیل و ماندگار، در آثار فارسی سابقه دیرینه‌ای دارد و آوینی با استفاده از این واژگان و مفاهیم به‌درستی نشان می‌دهد که اعتقاد به آن‌ها چگونه در رزمندگان ایران، انگیزه و اشتیاق جنگ می‌آفریند و آنان نه‌تنها از مرگ نمی‌هراسند و باایمان به این‌که مرگ درنبرد با دشمن آن‌ها را در مقام شهادت و زندگی جاودانه و در هم‌جواری با حضرت دوست قرار می‌دهد، با اشتیاق هرچه تمام‌تر به استقبال از آن می‌شتابند و این‌گونه دشمن را در بن‌بستی ناگشودنی قرار می‌دهند.

باتوجه به مطالب مقاله، می‌توان گفت که ملت ایران از دیرباز با مفهوم ایمان، اعتقاد و مبارزه و زیستن از روی ایمان و اعتقاد آشنا بوده است. ارزش‌هایی که از آن‌ها با عنوان بن‌مایه یاد شد. در طول ۱۴۰۰ سال به‌وسیله اندیشمندان، عارفان و شاعران عرفانی سرای این مرزوبوم در قالب نظم و نثر معرفی و ثبت‌شده‌اند. شهید آوینی با استفاده از تعالیم امام خمینی و جهت‌دهی‌های او به‌خوبی دریافته است که هرچه انسانی با این ارزش‌ها هم‌زیستی داشته باشد به همان اندازه از نیروی شجاعت، تصمیم‌گیری به‌موقع، غیرت، ایثار و فداکاری بیشتر برخوردار خواهد بود. او راز صلابت رزمندگان را در ایمان و باور آن‌ها در غیب و توحید می‌بینید و به کمک فرهنگ عرفانی در کتاب‌های ادبیات فارسی به‌درستی و زیبایی آن را به تصویر می‌کشد. جدول بالا نمونه‌هایی از مضمون‌های مشترک در بن‌مایه‌های موجود در کتاب آوینی است و نشان می‌دهد وی از شاعران و عارفان به ترتیب از مولانا و حافظ، در گام بعدی عطار و بعد از عطار سعدی، سنایی، خاقانی، نظامی، نصرآبادی و... . نگاه آوینی به مولوی، حافظ، عطار و سعدی نزدیک‌تر بوده و از این شاعران بیشتر از سایرین و از بین عارفان از نسفی و بعد از وی عطار، هجویری و قشیری و دیگر عارفان ذکر شده در جدول بالا که در کتاب گنجینه آسمانی بهره برده است و به علت جلوگیری از اطناب و حجم مقاله ما فقط چهار مورد شرح داده و تأثیر معنویات را در بالا رفتن روحیه رزمندگان را بیان و با شاعران و عارفان مقایسه کردیم و بقیه موارد را فقط از نظر تأثیرپذیری آوینی از آن‌ها را نشان دادیم.

### نتیجه‌گیری

عرفان به‌مثابه گفتمانی غالب، به آثار آوینی صورت‌بندی ویژه‌ای داده است تا حدی که بسیاری از مضامین آثار او وام‌دار این گفتمان است. کتاب گنجینه آسمانی یکی از بهترین نمونه‌ها برای

نشان دادن این تأثیر است. از نظر شهید آوینی تلخی‌های جنگ، در بیان عاشقانه - عارفانه او در مقایسه با زیبایی‌های شجاعت، شهامت و ایثارگری رزمندگان کوچک و کم‌اهمیت جلوه می‌کند. وی در توصیف رزمندگان از مفاهیم عرفانی نیت، یقین، ایثار و شهادت بهره می‌جوید. این مفاهیم در آثار آوینی صرفاً جنبه‌ای نظری ندارند بلکه جنبه‌ای سلوکی و عملی به خود گرفته‌اند. مؤلفه‌های ذکرشده در اثر آوینی، ضمن اینکه مفاهیم عرفانی کلاسیک را در خود دارند، جنبه پایداری نیز به خود می‌گیرند؛ یعنی همه آن‌ها، ساختاری حماسی نیز پیدا می‌کنند. اگر در عرفان تلاش عارف برای مبارزه با نفس خود است در کتاب آوینی هم هر رزمنده سالکی است که ضمن مبارزه با نفس خود، در عمل و میدان جنگ نیز با دشمن بیرونی به جنگ برمی‌خیزد. همین امر مهم‌ترین عامل تمایز بخش آثار آوینی است. آوینی برای رسیدن به این شاخصه محتوایی با الهام و جهت‌یابی از رهنمودهای امام خمینی و با استفاده از واژگان و ترکیبات و تعبیرات عرفانی، دینی و ارزشی که در فرهنگ اسلامی و ادبیات غنی فارسی اندوخته شده‌اند، تلاش در نشان دادن تحول روحی رزمندگان ایران دارد. تحولی که از آن‌ها با تکیه بر ارزش‌های معنوی و صفات روحی ممتاز که در این مقاله به‌عنوان بن‌مایه‌های عرفانی یاد شد، قهرمانانی نستوه و خستگی‌ناپذیر در برابر دشمن ساخته است. بدین گونه در گنجینه آسمانی می‌بینیم که باورهای مذهبی و ارزش‌های معنوی چگونه می‌توانند در میدان رزم به کمک رزمندگان بیایند و دشمن مجهز به ادوات مدرن جنگی را زمین‌گیر کنند. پس می‌توان گنجینه آسمانی را نقطه تلاقی عرفان، معنا و حماسه دانست که در وجود رزمنده به وحدت می‌رسد و از آنان رزمندگانی نستوه می‌سازد؛ در متون آوینی تلاقی این دو، کلیتی اندام‌وار دارد که هر عنصرش با عناصر دیگر در ارتباط است. مثلاً بحث نیت، آوینی نیت را حلقه اتصال علم و عمل در نظر می‌گیرد و مبدأ سیر وسلوک را قصد و نیت می‌داند. وی اعمال رزمندگان را مطابق نیت‌هایشان می‌داند. آن‌ها با نیت تقرب به خداوند؛ یا به عرصه عمل گذاشته و وارد میدان جنگ شده‌اند. پس از نیت بن‌مایه یقین را بیان کرده است که براساس همین باور یقین به عالم غیب، ماورا و جاودانه شدن در حضور حضرت دوست، رزمنده مسلمان ایرانی، جان‌برکف می‌شود و با عشق و تلاش برای کسب رضای خداوند به شهامت و شجاعت و استقامتی باورناپذیر دست می‌یابد و به مفهوم فنا جنبه سیاسی و اجتماعی می‌دهد و جایی که از ایثار سخن به میان می‌آورد باز جبهه را میعادگاه ایثارگران می‌داند که الگویی همچون ابوالفضل‌العباس را دارند. آوینی با نشان دادن اینکه رزمندگان اسلام نیز همچون سالکان و عارفان راستین مراحل طریقت را

طی می‌کردند تا به مرحله فنا و عشق الهی برسند چهره جدیدی از جنگ را ترسیم کرد و قلم توانایی از ادبیات دفاع مقدس را آفرید؛ و این حقیقت را که برای داشتن ارتشی قوی و پیروزی آفرین تنها سلاح و تجهیزات مدرن کافی نیست و این باورها و اعتقادات روحانی و معنوی شخصیت رزمندگان است که می‌تواند از آنها ارتشی شکست‌ناپذیر بسازد برای آینده ایران ثبت کرد و به یادگار گذاشت.

## منابع

- قرآن مجید.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۷). صحیفه نور، ج ۱۳ و ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- احمد خمسه، میترا (۱۳۹۸). معراج عشق راز ماندگاری روایت فتح شهید آوینی، تهران: تیرگان.
- انیس دوویکتور (۱۳۹۹). روایت جنگ در دل جنگ، با نگاهی به مستندهای سید مرتضی آوینی، مترجم محمد مهدی شاکری، تهران: واحه.
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقاد، چاپ ۳، انتشارات علمی و فرهنگی.
- آوینی، سید مرتضی (۱۳۹۳). گنجینه آسمانی، چاپ ۵، تهران: واحه.
- آینه‌وند، صادق (۱۳۷۰). ادبیات مقاومت، کیهان فرهنگی، ۸ (۷۹)، ۳۴-۳۵.
- تاج‌الدینی، علی (۱۳۷۲). استعارات تأویلی، ناشر: نماد اندیشه.
- تاج‌الدینی، علی (۱۳۹۰). همسفر خورشید، ناشر: نماد اندیشه.
- داد، سیما (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- رازی، نجم‌الدین ابوبکر (۱۳۹۱). مرصادالعباد، به اهتمام محمدامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات و تعبيرات عرفانی. تهران: طهوری.
- سنایی، مجدودبن آدم (۱۳۸۸). دیوان. قلم بدیع الزمان فروزانفر، چاپ ۳، تهران: نگاه.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). نقد ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد ۱ و ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات پالیزان.
- سنگری، محمدرضا و آذین فرد، عزیز (۱۳۹۷). نقد و بررسی دریادلان به صف‌شکن سید مرتضی آوینی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۳۲ (۱۲۵)، ۳۲-۳۵.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۵). سبک‌شناسی، چاپ ۳، تهران: سخن.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). بحارالانوار، چاپ ۲، ۱۱۰ جلدی، تهران: دارالکتب اسلامی.
- مولوی، جلال‌الدین و زمانی، کریم (۱۳۷۸). شرح جامع مثنوی، دفتر ۱، ج ۱۸، تهران: اطلاعات.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۸۲). کشف‌الاسرار و عده‌الأبرار به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت، چاپ ۷، تهران: امیرکبیر.
- نصرآبادی، میرزا محمدطاهر (۱۳۱۷). تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران: چاپخانه ارمغان.
- ون دایک، تون آدریانوس (۱۳۹۴). تحلیل متن و گفتمان، ترجمه پیمان کی فرخی، تهران: نشر پرسش.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۹۰). کشف‌المحجوب، به تصحیح دکتر محمود عابدی، تهران: سروش.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، چاپ ۲، تهران: هرمس.